

نگاهی به فعل brauchen در زبان آلمانی

written by مرتضی غلام نژاد | فوریه 10, 2021

سلام دوستان

در این درس می‌خواهیم باهم نگاهی داشته باشیم به فعل brauchen و کاربردهای آن؛ همانطور که میدانید این فعل یکی از افعال پر کاربرد در زبان آلمانی است که ما می‌بایستی به خوبی بتوانیم در موقعیت‌های مختلف با گرامر یا دستور زبان درست از آن استفاده کنیم.

اما قبل از هر چیز اجازه بدید یک نگاهی کلی داشته باشیم به این فعل

brauchen

احتیاج داشتن، لازم داشتن، نیاز داشتن، مجبور بودن، ضروری بودن – از معانی مهم و پرکاربرد این فعل است.

گذشته ساده : brauchten

گذشته کامل : haben gebraucht

هرگاه فعل brauchen به عنوان فعل اصلی جمله بکار برده شود در واقع معانی نزدیک به benötigen را به همراه دارد

benötigen

لازم داشتن، نیاز داشتن، احتیاج داشتن

گذشته ساده : benötigten

گذشته کامل : haben benötigt

یک مثال :

Ich brauche einen neuen Computer

من احتیاج دارم یا نیاز دارم به یک کامپیوتر جدید

Ich benötige einen Computer

من به یک کامپیوتر جدید نیاز دارم یا احتیاج دارم.

توجه : ما در زبان فارسی یا بهتر است بگوییم در تفکر فارسی همواره به چیزی نیاز یا احتیاج داریم ، این بدان معنی است که در فارسی ما از حالت اسمی Dativ به همراه فعل نیاز داشتن یا احتیاج داشتن استفاده میکنیم در صورتی که در تفکر آلمانی فعل brauchen, benötigen ذات Akkusativ دارند ؛ بنابراین ما در زبان آلمانی همواره چیزی را نیاز داریم ، من یک کامپیوتر جدید را نیاز دارم یا احتیاج دارم که برداشت ما این است که باید برم یک کامپیوتر جدید بخرم.

هرگاه ما از فعل brauchen به همراه حرف اضافه zum استفاده میکنیم (دقت داشته باشید حرف اضافه zum و نه zu) آنگاه می تواند معانی همچون benutzen یا verwenden را به همراه داشته باشد

benutzen

استفاده کردن

نکته : توجه داشته باشید که خود فعل benutzen نیز همانند فعل brauchen می تواند کاربرد و مفاهیم متفاوتی را به همراه داشته باشد از مهم ترین مفاهیم آن می شود به : احتیاج داشتن ، لازم داشتن ، نیاز داشتن ؛ اشاره کرد.

گذشته ساده : benutzten

گذشته کامل : haben benutzt

verwenden

استفاده کردن ، به کار بردن ، بهره بردن

گذشته ساده : verwandten

گذشته کامل : haben verwandt / verwendet

برای درک zum و تبدیل کردن یک فعل به اسم می توانید درس زیر را مطالعه کنید

درس- بیست- و- ششم- ساخت- صفت- از- اسم-،- افعال- و- ب/

در مثال زیر نه تنها مفاهیم گفته شده بالا را درک خواهیم کرد بلکه با یک شکل دیگر از فعل brauchen یعنی gebrauchen نیز آشنا میشویم.

Zum Kochen gebraucht man normalerweise einen Herd

برای پختن و پز معمولاً آدم یک اجاق گاز را مورد استفاده قرار میدهد

تفکر آلمانی : آدم معمولاً برای آشپزی یک گاز را بکار میبرد

Zum Kochen benutzt man normalerweise einen Herd

برای پختن و پز معمولاً آدم یک اجاق گاز را مورد استفاده قرار میدهد

تفکر آلمانی : آدم معمولاً برای آشپزی یک گاز را بکار میبرد (مورد استفاده قرار میدهد)

Zum Kochen braucht man normalerweise einen Herd

برای پختن و پز معمولاً آدم به یک اجاق گاز نیاز دارد

Zum Kochen benötigt man normalerweise einen Herd

برای پختن و پز معمولاً آدم به یک اجاق گاز نیاز دارد

هرگاه از فعل brauchen به عنوان یک فعل کمکی استفاده میکنیم یا به عبارت دیگر دو فعل در جمله وجود دارد ؛ آنگاه فعل دوم ما zu میگیرد ؛ برای درک بیشتر در این رابطه میتوانید درس زیر را مطالعه کنید.

Der Student braucht die Prüfung nicht zu machen

آن دانشجو نیاز ندارد آن آزمون را انجام بدهد

اما در زبان عامیانه یا روزمره ما می توانیم zu را حذف کنیم و اینگونه بگیم :

Der Student brauch die Prüfung nicht machen

یک مثال دیگر و پایان این درس :

Du brauchst nur etwas sagen, dann helfe ich dir

تنها چیزی که تو نیاز داری که من بهت کمک کنم اینه که بگیش

فقط لب تر کن اونوقت کمکت میکنم

نگاهی به vergelten در زبان آلمانی

written by مرتضی غلام نژاد | فوریه 10, 2021

سلام دوستان ،

در این درس می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به فعل vergelten و یک اصطلاح جالب که می توانیم با این فعل بسازیم.

شاید بارها دلتان خواسته همانند تفکر فارسی بعد از تشکر کردن از کمک یک کسی به او بگویید ، امیدوارم که بتونم برات تلافی کنم یا چه جور می تونم برات جبران کنم و ... یا اینکه بگیم خدا خیرت بده ، خدا عوضش رو بهت بده و ... خب این نوع جملات را دقیقاً می توانیم با همین فعل vergelten بیان کنیم. برای درک بیشتر ، لطفاً به ادامه درس و مثال ها توجه کنید

قبل از هر چیز اجازه بدهید نگاهی داشته باشیم به صرف این فعل و معانی آن در فارسی

تلافی کردن ، قصاص کردن ، برگرداندن ، مجازات کردن ، انتقام گرفتن

گذشته ساده : vergalten

گذشته کامل : haben vergolten

حرف اضافه ای که می تواند با این فعل بیاید حرف اضافه mit است

یعنی در تفکر آلمانی ما همواره چیزی را با چیزی تلافی میکنیم یا با چیزی انتقام میگیریم درست همانند تفکر فارسی

چند مثال :

man soll nicht Böses mit Bösem vergelten

تفکر آلمانی : آدم نمی بایستی بدی را با بدی تلافی کند

در تفکر فارسی : آدم نباید بدی را با بدی جواب بده

همانطور که می بینید حرف اضافه mit در جمله بالا به عنوان حرف اضافه مورد استفاده قرار گرفته است.

So vergiltst du meine Mühe?

زحمت و تلاش مرا اینجوری تلافی میکنی؟

در تفکر فارسی : جواب تلاش یا خوبی مرا اینجوری میدی؟ این بود جواب خوبیم؟

Wie soll ich dir deine Unterstützung vergelten? Das kann ich dir niemals vergelten

چه جوری می بایستی من حمایت ات را (محبتت را) تلافی کنم؟ اینرا (حمایت یا محبتت را) من هرگز نمی توانم جبران کنم

Sag nicht: Ich will das Böse vergelten. Vertrau auf den Herrn, er wird dir helfen

نگو : من قصد دارم بدی را تلافی کنم. به خدا اعتماد کن ، او به تو کمک خواهد کرد

Gleiches mit Gleichem vergelten

چیزی یا کاری را با همانند همان چیز یا کار تلافی کردن یا جبران کردن

Sie war dafür, Böses mit Gutem vergelten

او (مونث) بر این نظر بود (موافق با این بود که) بدی را با خوبی تلافی کند یا پاسخ بدهد

اما آخرین اصطلاح این درس ، اصطلاح :

vergelts Gott! است که به معنی : خدا خیرت بدهد یا خدا عوضش را به تو بده هست ، یک نوع تشکر از کسی است که برای

ما کاری بدون دریافت پول انجام داده است.

در فارسی گفته میشود : دستت درد نکنه خدا خیرت بده یا دمت گرم خدا عوضش رو بهت بده

یک مثال :

Hier, ich habe dir einen Kaffee mitgebracht. — Oh, vergelt's Gott!

بفرما ؛ من برایت یک قهوه به همراه خودم آورده ام ؛ اوه خدا عوضش را بهت بده یا خدا خیرت بده ، دستت درد نکنه یا دمت گرم

توجه داشته باشید که این اصطلاح در قدیم آن زمانی که آلمانی ها اعتقاد بیشتری به خدا داشتن بسیار مورد استفاده قرار میگرفت دقیقاً همانند زبان فارسی ، اما امروزه از آن جنبه معنوی یا اعتقادی به طور کلی فاصله گرفته است و در تفکر آلمانی بیشتر نزدیک به دستت درد نکنه است ، اما در تفکر فارسی بیشتر نزدیک به خدا خیرت بده یا عوضش رو بهت بده ، اگر چه در فارسی می تواند تمامی این معانی را نیز به همراه داشته باشید.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :

نگاهی به فعل klettern در زبان آلمانی

written by مرتضی غلام نژاد | فوریه 10 , 2021

سلام دوستان

در این درس می‌خواهیم باهم نگاهی داشته باشیم به فعل klettern در زبان آلمانی

این فعل به معانی : از چیزی بالا رفتن است ، مانند : از درخت بالا رفتن یا از صخره بالا رفتن ، از کوه بالا رفتن و یا اینکه از طناب بالا رفتن

گذشته ساده : kletterten

گذشته کامل : sind geklettert

این فعل ذات Akkusativ دارد و می تواند با حروف های اضافه زیر در جملات ما مورد استفاده قرار بگیرد

auf, an, aus, in, über

نکته گرامری : چنانچه در جمله هم فعل و هم حروف اضافه وجود داشت ، آنگاه اولویت اول با حرف اضافه است و اولویت بعدی فعل جمله است، خب این به چه معنی است؟ به این معنی است که مثلاً حرف اضافه aus که یک حرف اضافه Dativ ساز است به همراه klettern که یک فعل Akkusativ است در جمله وجود داشته باشد ، آنگاه حرف تعریف یا آرטיکل اسم ما می بایستی به حالت اسمی Dativ برود ، چون اولویت اول همیشه با حرف اضافه است و حرف اضافه aus همانطور که گفتم یک حرف اضافه Dativ ساز است.

برای درک بیشتر ، لطفاً به مثال های زیر توجه کنید :

نکته : در مثال های زیر رنگ آبی به منظور Akkusativ و رنگ قرمز به معنی Dativ است

auf

auf einen Baum klettern

تفکر آلمانی : به روی یک درخت بالا رفتن

تفکر فارسی : از یک درخت بالا رفتن

اسم جمله ما Baum است که یک اسم مذکر است der Baum بنابراین در مثال بالا با توجه به حرف اضافه auf که خود یک حرف اضافه Akkusativ ساز است ، آرטיکل اسم جمله ما به حالت اسمی Akkusativ می‌رود.

Ich klettere auf den Baum und pflücke die Äpfel

من از آن ردخت بالا می‌روم و سیب ها را می چینم.

über

über den Zaun klettern

تفکر آلمانی : بالای یا روی یک نرده به سمت بالا رفتن

تفکر فارسی : از روی یک نرده یا حصار بالا رفتن

in - < یک نکته گرامری بسیار مهم دارد.

چنانچه حروف اضافه متغییر داشته باشیم مانند in که هم می تواند Akkusativ ساز و هم Dativ ساز باشد ، آنگاه اولویت اول آنرا فراموش میکنیم و به فعل جمله رجوع میکنیم ، پس از آنجایی که فعل جمله ما klettern یک فعل Akkusativ است ، بنابراین حرف اضافه in نیز در نقش یک حرف اضافه Akkusativ ساز در جمله ما ایفای نقش میکند.

in das Auto klettern

تقریباً به معنی سوار آن ماشین شدن است

همانند اتوبوس که از پله های آن نه تنها بالا میرویم بلکه به درون آن نیز وارد می شویم

aus

aus dem Bett klettern

از آن تخت بالا رفتن

مثلا : تختِ دو طبقه داریم و می خواهیم از آن بالا برویم یا اینکه به سمت پایین بیاییم.

و آخرین حرف اضافه ما an است

نکته مهم : چنانچه این فعل به همراه an بیاید ، آنگاه آرטיکل یا اسم جمله حذف می شود و این یک استثناء می باشد

an Deck klettern

از عرشه کشتی بالا رفتن

چند مثال دیگر و پایان این درس :

Ich klettere auf eine Palme

من از یک نخل بالا میروم

Ich kletterte also nach unten

پس من به سمت پایین رفتم

توجه داشته باشید ، درست است که nach یک حرف اضافه است اما در مثال بالا در واقع به طور مستقیم با فعل و یا اسم جمله در ارتباط نیست و به همراه unten یک اصطلاح را ساخته اند.

nach unten به سمت پایین

nach oben به سمت بالا

nach links به سمت چپ

nach rechts به سمت راست

نکته : این فعل در بیشتر موارد با حرف اضافه auf مورد استفاده قرار میگیرد

Er ist auf den Berg geklettert

او از آن کوه بالا رفت

به طور ساده تر اینکه اون کوه نوردی کرده و از آن کوه بالا رفته است

و آخرین مثال این درس ، چنانچه به تنهایی و بدون هیچ حرف اضافه در جمله مورد استفاده قرار بگیرد

Die Preise sind wieder geklettert

قیمت ها دوباره بالا رفته اند

که متأسفانه در ایران این اتفاق هر روز داره پیش میاد ۴

چنانچه شما نیز در ارتباط با این درس ، مثال ، سوال یا توضیحاتی دارید ، می توانید آنرا در بخش نظرات همین درس درج کنید.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :

درس پنجاه و نهم – افعال به همراه حروف اضافه

written by مرتضی غلام نژاد | فوریه 10 , 2021

در این درس می خواهیم با هم افعالی را بیاموزیم که به همراه حروف اضافه می آیند.

نگاهی به فعل fahren و پیشندهای آن

written by مرتضی غلام نژاد | فوریه 10 , 2021

سلام دوستان،

در این درس می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به فعل fahren به همراه پیشندهای آن

البته ما در این درس نمی خواهیم که تمامی پیشندهای این فعل را مورد بررسی قرار بدهیم ، بلکه می خواهیم پر کاربردترین و مهم ترین آنها را با کمک یکدیگر یاد بگیریم. زیرا فعل fahren می تواند به همراه چیزی حدود ۴۰ تا فعل ترکیب شود و معانی متفاوت داشته باشد.

قبل از هر چیز اجازه بدهید نگاهی به fahren داشته باشیم

fahren

رانندگی ، رانندگی کردن ، با وسیله نقلیه رفتن

گذشته ساده : fuhren

گذشته کامل : sein gefahren

Wegen mehrerer gesperrter Straßen mussten sie einen großen Umweg fahren

به خاطر خیابان های مسدود زیاد ، شما می بایستی یک مسیر فرعی و طولانی تر را رانندگی میکردید.

Wir fahren morgen mit dem Schiff nach Italien

ما فردا با کشتی به ایتالیا می رویم.

پس خود فعل fahren به معنی : رانندگی کردن یا رفتن با وسیله نقلیه است

اما از آنجایی که در تفکر آلمانی یا بهتر است بگویم در زبان آلمانی ، ما برای هر کاری فعل مخصوص به خودش را داریم ، بنابراین افعال با پیشوندهای ترکیب می شوند تا معنی و مفهوم جدیدی بسازند. به همین دلیل است که افعال در زبان آلمانی ، دارای پیشوند می باشند که بعضی از آنها جدا شدنی هستند (یعنی آن پیشوند به انتهای جمله می رود در صورت نبود فعل کمکی در جمله) و بعضی از آنها ثابت هستند.

چنانچه هنوز با مبحث افعال در زبان آلمانی آشنایت ندارید ، پیشنهاد میکنم درس زیر را مطالعه کنید.

جزء افعال در زبان آلمانی (کلیک کنید)

اما اولین پیشوند ما ab است

در واقع ab هرگاه به افعال اضافه می شود ، معمولاً چیزی از جایی کنده شدن است مثلاً در مورد فعل fahren هرگاه پیشوند ab به آن اضافه می شود ، آنگاه به معنی ترک کردن یا از جایی کنده شدن و رفتن ، مثل رفتن قطار یا اتوبوس که در تفکر آلمانی انگاری که از محل کنده می شود و میرود ، ما در فارسی می گوئیم به راه افتادن اما در تفکر آلمانی یک وسیله نقلیه می تواند از جایش کنده شود و همانطور که به راه افتاده است محل را نیز ترک کند.

Der Bus fährt gleich ab

آن اتوبوس همین حالا حرکت میکند

در تفکر آلمانی : آن اتوبوس همین حالا نه تنها به راه میافتد بلکه در حال ترک کردن محل نیز می باشد.

Der Zug fährt gleich ab

آن قطار همین حالا حرکت میکند

آن قطار یا آن اتوبوس الانهاست که راه بیافته و جایش را ترک کند.

پیشوند بعدی ما ein می باشد

معمولاً پیشوند ein هرگاه با افعال ترکیب می شود ، معنی وارد شدن یا داخل شدن به جایی به چیزی را میدهد ، برای مثال اگر با fahren باشد ، آنگاه به این معنی است که ما با وسیله نقلیه به جایی یا مکانی وارد شویم

Der Zug fährt in den Tunnel ein

قطار وارد تونل می شود

قطار در حال وارد شدن به تونل می باشد

Wir fahren in den Bahnhof ein

ما به ایستگاه قطار وارد می شویم

پیشوند بعدی ما los می باشد

معمولاً los به همراه افعال ، معنی و مفهوم : آغاز کردن یا شروع کردن آن کار را میدهد ، برای مثال هرگاه به همراه fahren بیاید ، آنگاه به معنی : آغاز به حرکت کردن یا شروع به راه افتادن را به همراه خود دارد

Wir fahren um drei Uhr los

ما در ساعت سه آغاز به حرکت میکنیم

ما سر ساعت سه شروع به حرکت میکنیم

پیشوند بعدی ما mit می باشد

معمولاً mit به همراه افعال : معنی و مفهوم ، همراهی کردن را میدهد ، مثلاً اگر با fahren ترکیب شود ، آنگاه به معنی : به همراه کسی با وسیله نقلیه رفتن است

Du kannst bei mit mitfahren

تو می توانی به همراه من بیایی

یعنی بیایی نزد من بنشینی و بعد با هم به رفتن (با وسیله نقلیه) ادامه بدهیم.

پیشوند بعدی ما vorbei می باشد

معمولاً vorbei هرگاه با افعال می آید ، آنگاه معنی عبور کردن از کنار چیزی یا اینکه در هنگام کاری به کوچولو کار دیگری کردن ، مثلاً در هنگام رانندگی از کنار چیزی رد شدن یا به کوچولو (مدت کوتاه) به جایی سر زدن ، برای مثال اگر با فعل fahren باشد ، آنگاه به معنی : سر راه یا در هنگام رانندگی از کنار جایی رد شدن یا به سری هم به جایی زدن

Wir müssen noch bei der Apotheke vorbeifahren

ما باید سر راهمان یه سر هم به داروخانه بزیم

ما باید سر راهمان یه سر هم داروخانه برویم

پیشوند بعدی ما zurückfahren می باشد

معمولاً zurück هرگاه با افعال می آید ، معنی بازگشت را میدهد و مشخص است اگر با fahren باشد ، آنگاه به معنی برگشتن با وسیله نقلیه می باشد

Mit der Bahn nach Hause zurückfahren

با راه آهن (مترو) به خانه برگشتن

پیشوند بعدی ما weiter می باشد

معمولاً weiter پس از اضافه شدن به یک فعل ، معنی : ادامه دادن را به آن فعل اضافه میکند ، برای مثال چنانچه با fahren بیاید ، یعنی به رفتن یا رانندگی کردن ادامه دادن

In Ordnung, Sie können weiterfahren

همه چیز رو به راه است ، شما می توانید به رفتن ادامه دهید

و آخرین پیشوند ما über می باشد

über می تواند چند معنی به همراه خودش داشته باشد چنانچه با افعال ترکیب شود.

۱. بیشتر یا بیش از حد

۲. از روی آن (مثلاً عبور کردن ، رفتن ، تماشا کردن و ...)

و چند معنی پراکنده دیگر ...

اما اگر با fahren بیاید ، به این معنی است که : در هنگام رانندگی به چیزی زدن یا چیزی را زیر گرفتن و از روی آن رد شدن

Ich habe das Tier nicht überfahren

من آن حیوان را زیر نگرفتم

نکته : توجه داشته باشید که überfahren در زمان گذشته کامل با فعل haben ساخته می شود نه با sein

این درس را در اینستاگرام نیز دنبال کنید :

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :

نگاهی به دو فعل پر کاربرد **weggehen** و **ausgehen**

written by مرتضی غلام نژاد | فوریه 10, 2021

سلام دوستان ، در این درس می خواهیم باهم نگاهی داشته باشیم به دو فعل پر کاربرد و مهم **weggehen** و **ausgehen** در زبان آلمانی ، همانطور که میدانید این دو فعل در موقعیت های مختلف می توانند معانی و برداشت های متفاوتی را به همراه داشته باشند. در این درس سعی میکنم که به تمام موقعیت های که می توانیم از این افعال استفاده کنیم ، اشاره کنم.

قبل از اینکه این درس را شروع کنیم جا دارد که این نکته را نیز در اینجا بیان کنم ، بعضی از دوستان پیشنهاد داده بودند که اگر همراه با جملات و مثال ها تلفظ آنها هم بود ، خیلی بهتر میشد.

به همین دلیل نرم افزار رایگانی برای دستگاه های اندروید نوشته ام که می توانید آنرا از سایت گوگل پلی دانلود کنید.

برای دانلود نرم افزار متن خوان آلمانی (اینجا کلیک کنید)

و اما به ادامه درس پردازیم

ausgehen یک فعل جداگانه می باشد

برای گردش از خانه بیرون رفتن ، رفت و آمد داشتن ، قصد و نیتی داشتن ، برای نائل آمدن به هدفی تلاش و کوشش کردن ، حاشا کردن ، از چنگ قانون گریختن ، دست خالی ماندن ، خاتمه یافتن ، تمام شدن ، فروکش نمودن ، خاموش شدن چراغ یا آتش ، سر چشمه گرفتن ، نقطه ی به پایان رسیدن و مسیرهای تازه ی آغاز شدن

گذشته ساده : gingen aus

گذشته کامل : sein ausgegangen

موقعیت اول : هرگاه بخواهیم خانه یا مکانی را ترک کنیم یا به عبارت ساده تر از آنجا خارج شویم

Sie war ausgegangen, um Einkäufe zu machen

او (مونث) خانه را ترک کرده بود ، تا خریدهایی انجام بدهد

موقعیت دوم : در زمان های مختلف به نیت کارهای مختلف رفتن (مثلا : برای رقصیدن ، برای گردش ، برای غذا خوردن توی یک رستوران مشخص)

Häufig ausgehen

به تکرار به قصد و نیت کاری رفتن یا از خانه خارج شدن

Wir gehen häufig zum Tanzen aus

ما اغلب به نیت رقصیدن میرویم

selten ausgehen

به ندرت به قصد و نیت کاری رفتن یا از خانه خارج شدن

Wir gehen selten zum Essen aus

ما به ندرت به نیت غذا خوردن از خانه خارج می شویم

ساده تر اینکه بیرون خیلی غذا نمیخوریم و به نیت غذا خوردن به ندرت از خانه خارج می شویم.
پس توجه داشته باشید که ausgehen در این موقعیت همیشه قصد و نیتی را به همراه دارد.

موقعیت سوم : هرگاه در یک خیابان اصلی هستیم و به نقطه ای میرسیم که با مسیرهای دور افتاده ی زیادی در مقابل مان رو به رو می شویم.

مثلا : فرض کنید در یک میدان اصلی هستید و سپس از هرجهت به یک مسیر یا جاده دور افتاده ای میرود.

Von diesem Knotenpunkt gehen mehrere Fernstraßen aus

از این تقاطع بیشتر خیابان های پرت و دور شروع می شود .

یعنی مسیر اصلی ما خاتمه یافته و اینک به نقطه ای رسیده ایم که از هر جهتش می توان به یک مسیر دور افتاده و پرت رفت

موقعیت چهارم : هرگاه بخواهیم به عنوان چیزی ارسالی یا دریافتی از آن استفاده کنیم. همانند پست

Die ausgehende Post

پست های ارسالی

نامه یا بسته های را که ما ارسال کرده ایم

Die eingehende Post

پست های دریافتی

نامه ها یا بسته های را که ما دریافت کرده ایم

موقعیت پنجم : هرگاه تحرک یا حرفی یا تشویقی از کسی شروع شود یا اینکه سرچشمه آن حرف ، آن تحریک یا تشویق از کسی باشد.

Die Anregung geht vom Minister aus

آن تشویق و تحریک از آقای وزیر سرچشمه میگیرد.

Ruhe geht von jemandem aus

آرامش ، صمیمیت ، صفا و صلح از کسی سرچشمه گرفتن

آرامش ، صمیمیت ، صلح و صفایی که اکنون حاکم است ، سر چشم اصلی آن کسی باشد.

خلاصه اینکه ، باعث و بانی چیزی بودن

موقعیت ششم : هرگاه ما برای چیزی یا برای کاری برنامه ریزی میکنیم اما آن اتفاق بر طبق برنامه های ما رخ نمیدهد.

فرض کنید من از شما درخواست ۵۰ یورو پول میکنم و به شما می گویم که تصور میکنم (صد در صد اطمینان ندارم) که پولم را روز ۲۸ ماه دریافت میکنم و پولی را که از شما قرض گرفته ام را بر میگردانم.

Ich gehe davon aus, dass ich mein Geld am 28 bekomme

من تصور میکنم که پولم را در روز ۲۸ دریافت کنم

حال بیست و هشتم ماه شده است و من پولم را دریافت نکرده ام.

Ich bin davon ausgegangen, dass das Geld am 28 kommt

من تصور میکردم که پولم در روز ۲۸ بیاید.

Aber es war leider nicht so

اما متاسفانه اینگونه نبود

موقعیت هفتم : هرگاه برای چیزی تلاش و کوشش کنیم تا آنرا به دست بیاوریم.

Auf Gewinn ausgehen

برای نفع و سود کوشش کردن
برای برد کوشیدن

موقعیت هشتم : هرگاه چیزی به اتمام میرسد ، همانند تمام شدن تئاتر یا تمام شدن مدرسه در یک روز

Die Schule geht um 12 Uhr aus

آن مدرسه راس ساعت ۱۲ خاتمه می یابد.

راس ساعت ۱۲ تعطیل میشود.

Das Theater war spät ausgegangen

آن تئاتر دیرتر به اتمام رسید.

موقعیت نهم : هرگاه لامپ یا آتش خاموش شود ، فروکش نمودن

Das Licht ging aus

آن چراغ خاموش شد.

Die Lampe ging aus

آن لامپ خاموش شد.

موقعیت دهم : هرگاه چیزی همانند رنگ از جسم یا کالای برود. مثلا از بین رفتن رنگ یک پارچه

Das Rot in diesem Stoff ist beim Waschen ausgegangen

رنگ قرمز در این پارچه هنگام شستشو از بین رفته است.

توجه داشته باشید که در این موقعیت معمولاً auslaufen را بیشتر به جای ausgehen استفاده میکنند.

Das Rot in diesem Stoff ist beim Waschen ausgelaufen

رنگ قرمز در این پارچه هنگام شستشو از بین رفته است.

هر دو جمله صحیح می باشد ، اما در این موقعیت بهتر و مناسب تر است از فعل auslaufen به جای ausgehen استفاده کنیم.

اما در این درس نگاهی هم خواهیم داشت به فعل weggehen که تقریباً معانی نزدیک به ausgehen دارد.

weggehen یک فعل جدا شدنی است

رفتن ، دور شدن ، خارج شدن ، ترک کردن ، عزیمت کردن ، به فروش رفتن

gingen weg : گذشته ساده

sein weggegangen : گذشته کامل

موقعیت یک : کمی به جلوتر رفتن ، کمی کنارتر رفتن ، کمی آنطرف تر رفتن

فرض کنید شما مشغول انجام کاری هستید که به نور نیاز دارید و من می آیم جلوی نور قرار میگیرم و شما می خواهید بگید برو اونور جلوی نور واستادی

Geh mal weg, du stehst mir im Licht

برو کمی آنطرف تر ، تو جلوی نور واستادی.

موقعیت دوم : هرگاه کسی شهر یا مکانی را ترک کرده باشد ، یعنی کلاً اسباب و اثاثیه را جمع کرده باشد و رفته باشد.

Er ist aus Berlin weggegangen (weggezogen

او از شهر برلین رفته است (اسباب کشی کرده)

به طوری که از شهر برلین کاملاً دور شده است ، مثلاً شاید از برلین به فرانکفورت تمام اسباب و اثاثیه اش را جمع کرده باشد و رفته باشد.

موقعیت سوم : هرگاه درد یا چیزی خارج شود ، دور شود از بین برود.

Von den Tabletten gehen die Kopfschmerzen schnell weg

از طریق این قرص ها آن سرد به سرعت از بین میرود (دور میشود)

موقعیت چهارم : هرگاه بخواهیم بگویم لکه یا چیزی نظایر آن از بین میرود یا از بین نمیرود.

Der Fleck geht nicht mehr weg

آن لکه هرگز از بین نمیرود.

Der Fleck geht leicht weg

آن لکه به آسانی از بین میرود

Der Fleck gehet nur schwer weg

آن لکه فقط به سختی از بین میرود.

موقعیت پنجم : جسنی به فروش برسد

Für den Preis geht der Wagen sofort weg

با آن مبلغ ، آن ماشین فوراً به فروش میرسد.

Die Ware ging reißend weg

آن اجناس تند و برق آسا به فروش رفتند

آن اجناس سریع فروخته شدند.

شاید تا اینجا درس برای خیلی از سوالات و نکاتی که در ذهنتان بود ، پاسخی پیدا کرده باشد ، اما چنانچه هنوز تفاوت میان *weggehen* و *ausgehen* را هنوز به خوبی متوجه نشده اید ، می بایستی اینگونه توضیح بدهم :

فعل *ausgehen* در بیشتر مواقع موقتی است ، مثلاً ما برای مدت کوتاهی از خانه خارج می شویم ، حال به قصد خرید کردن و ... اما فعل *weggehen* می تواند به این معنی باشد که ما به مسیر دور افتاده ای رفته ایم ، یک خارج شدنی است که شاید مدتی بیشتر از معمول طول بکشد. ناگفته نماند که این در صورتی است که ما بخواهیم از این دو فعل در موقعیت رفتن یا خارج شدن استفاده کنیم.

مثلاً اگر بخواهیم به فروشگاه بروم و خرید کنم ، چنانچه آن فروشگاه با من ۱ کیلومتر فاصله داشته باشد ، این مسیر خیلی دور نیست ، اما اگر بخواهم برای یک کار اداری به یک شهری بروم که ۲۰ کیلومتر با من فاصله داشته باشد ، آنگاه من کاملاً دور شده ام از خانه یا به عبارتی *weggehen* را انجام داده ام.

در ارتباط با کالا و فروش آن ، تقریباً معنی خیلی نزدیکی دارد و می تواند به جای یکدیگر از آنها استفاده کرد.

مثلاً چه من بگویم ، آن جنس تمام شده است ، چه بگویم آن جنس به فروش رفته است . در هر دو حالت یک تصویر در ذهن شنونده ایجاد می شود و برداشتی کاملاً مشابه از آن جملات دارد.

پس اگر بخواهم بگم جنس یا کالای تمام شده است از *ausgehen* استفاده میکنم و اگر بخواهم بگویم که آن جنس و کالا به فروش رفته است از *weggehen*

چنانچه شما نیز در ارتباط با این درس ، مثال ، سوال یا پیشنهادی دارید ، می توانید آنرا در بخش نظرات همین درس درج کنید.
موفق باشید.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :

نگاهی به فعل vorstellen در زبان آلمانی

written by مرتضی غلام نژاد | فوریه 10, 2021

در درس امروز می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به فعل پرکاربرد vorstellen که از آن دسته از افعال است که در موقعیت های مختلف معانی متفاوتی را نیز به همراه دارد . سعی میکنم در این درس به تمامی موقعیت های که می توان این فعل را استفاده کرد ، اشاره کنم

vorstellen

یک فعل جدا شدنی می باشد که می تواند انعکاسی هم باشد

هرگاه به صورت یک فعل غیر انعکاسی باشد معانی زیر را میدهد :

جلو قرار دادن ، معرفی کردن ، آشنا کردن ، آشنا شدن ، واضع نمودن ، به عنوان کسی که جویای کار است با کارفرما مصاحبه کردن

هرگاه به صورت یک فعل انعکاسی باشد معانی زیر را میدهد :

تجسم بخشیدن ، تجسم کردن ، در ذهن خود پروراندن ، خود را به قصد معاینه تحت اختیار پزشک گذاشتن

گذشته ساده : stellten vor

گذشته کامل : haben vorgestellt

موقعیت یک : هرگاه معنی جلو قرار دادن چیزی را بدهد

Den Sessel vorstellen

آن صندلی را جلو تر قرار دادن

Ein Stück weiter den Sessel stellen

یک مقدار جلوتر آن صندلی را قرار دادن

نکته : توجه داشته باشید که در اینجا فعل vorstellen اسم را به حالت Akkusativ میبرد.

Der Sessel -> Akku -> den Sessel

Der Sessel

صندلی ، مبل ، کجاوه ، تخت روان

Das rechte Bein vorstellen

پای راست را کمی جلوتر بردن یا قرار دادن

Das Bein -> Akku -> Das Bein

موقعیت دو : هرگاه معنی در جلوی چیزی قرار دادن را بدهد

Eine spanische Wand vorstellen

یک دیواره حصیری (اسپانیایی) را در جلوی چیزی قرار دادن

Eine spanische Wand

موقعیت سوم : ساعت را به جلو کشیدن

Die Uhr eine Stunde vorstellen

ساعت را یک ساعت به جلو کشیدن

موقعیت چهارم : کسی یا چیزی را به دیگران که آنها او را نمی شناسند ، معرفی کردن

Darf ich Ihnen Herrn Müller, meine Schwester vorstellen?

آقای مولر اجازه دارم به شما خواهرم را معرفی کنم ؟

نکته : توجه داشته باشید ، همانطور که در تفکر فارسی ما کسی را به شخص دیگر معرفی میکنیم (به حرف اضافه داتیو ساز) در تفکر آلمانی نیز به همین صورت است.

Darf ich Ihnen meinen Vater vorstellen

اجازه دارم به شما پدرم را معرفی کنم.

Dativ به شما -> Ihnen

همانطور که می بینید ، درست همانند تفکر فارسی ، پدرم را به حالت Akkusativ رفت.

Mein Vater -> Akku -> meinen Vater

در نتیجه همانطور ما می توانیم به کسی چیزی را معرفی کنیم.

Jemandem etwas vorstellen

به کسی چیزی را معرفی کردن

Auf dem Empfang stellte sie ihn als ihren Verlobten vor

هنگام پیشواز او (مونث) او (مذکر) را به عنوان نامزدش معرفی کرده بود.

در خیر مقدم و خوش آمد گویی او (مونث) او (مذکر) را به عنوان نامزدش معرفی کرده بود.

Ich muss meinen Freund meinem Vater vorstellen

من باید دوستم را به پدرم معرفی کنم

موقعیت پنجم : در حالت انعکاسی و زمانی که خواهیم خودمان را به دیگران معرفی کنیم ، طوری که شغل یا جایگاهمان را نیز گفته باشیم

Sich mit vollem Namen vorstellen

خود را با نام کامل معرفی کردن

Er stellte sich als Vertreter des Verlages vor

او خودش را به عنوان نماینده ناشر معرفی میکند.

توجه داشته باشید : als معانی دیگری نیز دارد ، اما در جملات اینگونه ، معنی : به عنوان را میدهد.

موقعیت ششم : هرگاه خواهیم خودمان را نزد پزشک برای معاینه قرار بدهیم. یا اجازه بدهیم پزشک ما را معاینه کند.

Er musste sich noch einmal dem Arzt, in der Klinik vorstellen

او می بایستی یکبار دیگر خودش را به آن پزشک در اون درمانگاه نشان بدهد (برای معاینه)

موقعیت هفتم : وقتی چیزی را در ذهن خود تصور میکنیم یا خیال میکنیم ، تجسم بخشیدن چیزی در ذهن

Ich stelle mir vor, dass das gar nicht so einfach ist

من تصور میکنم ، که آن اصلا آسان نیست

Stell dir vor, wir würden gewinnen

فکر کن ، ما بتونیم پیروز شویم

Stell dir vor

تصور کن ، خیال کن ، فکر کن ، رویا پردازی کن

معمولا در فارسی میگن ، فکر کن یک درصد ؟

مثلا می توان جمله زیر را اینگونه نیز ترجمه کرد

Stell dir vor, wir würden gewinnen

فکر کن یک درصد ما بتونیم ببریم

Kannst du dir meine Überraschung vorstellen?

می تونی سوپرایز منرا تجسم کنی ؟

Wie stellst du dir das vor?

چه تصور و برداشتی از آن داری ؟

موقعیت هشتم : چیزی را به دیگران نشان دادن ، در معرض دید دیگران قرار دادن و آنرا اعلام کردن

Der junge Autor stellt sein neues Buch vor

نویسنده جوان کتاب جدیدش را معرفی می کند

چنانچه شما نیز در ارتباط با این درس مثال ، سوال یا پیشنهادی دارید ، می توانید آنرا در بخش نظرات همین درس درج کنید.

موفق باشید.